

نویسنده: اکادمیسین شرعی جوزجانی

به سلسله خاطرات سیاسی من

48 سال قبل

بازدید از زندان دهمزنگ

نویسنده: اکادمیسین شرعی جوزجانی

به سلسله خاطرات سیاسی من

48 سال قبل

بازدید از زندان دهمزنگ

فردای روزی که شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان فیصله به عمل آورد تا شخصا وزیر عدلیه از محابس مرکز بازدید به عمل آورده، در زمینه به شورای وزیران گزارش بدهد، با دوتن از کارمندان ورزیده و صاحب نظر از عدلیه و قضا بررسی محابس را از زندان دهمزنگ آغاز کردیم. قوماندان محبس ما را به داخل زندان همراهی کرد. اولین بخش که به اصطلاح آن وقت به نام «کره خانه» یاد میشد، اطاقی

بود که در آن عده زیادی جوانان و نوجوانان 18 ساله و بالاتر از سن 18 نگهداری میشدند و برای آنها تنگی مینمود. یک عده شان از تعیین نشدن سرنوشت خود عده ای هم ازین که پول ندارند و نمیتوانند غذای کافی بخورند شکایت داشتند. تمام مشکلات و شکایتهای شانرا شنیدیم و یادداشت گرفتیم و به محبس عمومی رفتیم. طوریکه برخی مطلعین گفتند، در سابق برخی از قوماندانان بعضا نوجوانان این بخش محبس را مورد استفاده ناجایز قرارمیداده اند.

بعدا به دیدن محبس عمومی آغاز کردیم. دهلیزی به طول 25 الی 30 متر و عرض تقریبا 6 مترشبه قبرستان با اتاقهای خورد و کلان در سمت چپ پر از محبوسین که بر تختهای دومنزله جابجا شده بودند. در سمت راست دهلیز از اول تا آخرچندین حفره هر یک به طول 2 متر و عرض تقریبا 70 سانتی و عمق تقریبا 25 سانتی قرارداداشت. زیراین حفره ها خاکهای نرم هموارکرده بودند و در برخی توشکهای کهنه و مندرس هموار بود. بالای هریک ازین حفره ها محفظه هایی به شکل خیمه قرارداداشت که از تکه پاره های رنگارنگ فرسوده و مندرس بهم دوخته شده بود. یک گوشه آن باز و بسته میشد.

پرسیدم اینها چیست؟ قوماندان محبس گفت: اینها خوابگاه عده ای از محبوسان بی بضاعت است که شبانگاه در آن میخوابند. پرسیدم در زمستان و تابستان همینطوراست؟ گفت بلی. پرسیدم، چرا برای شان حد اقل مایحتاج شانرا تهیه نمیکنید؟ گفت برای این کار بودجه نداریم.

باور نکردنی بود. سیه چالهای زندان ارگ که وکیل شهرستان هزاره جات در مورد حبس پدرش در آنجا به من حکایت کرده بود، به یادم آمد. فرق این حفره ها با سیه چالهای زمان نادرشاه و ظاهرشاه درین بود که آنها در زیر زمین و اینها بر روی زمین قرار داشتند. محبوسان درین قبرهای سرگشاده در یک زندگی جهنمی بسر میبردند. بدون تردید برخی از شدت سرما و گرسنگی مریض و هلاک میشدند، اما هیچکس مسؤل

این کار نبود.

طرف چپ دهلیز در داخل اتاقهای مزدحم تعداد بی شمار زندانیان با امکانات مختلف حیات بسر میبردند. کسانی که پول داشتند از امتیازات و آزادی بیشتر برخوردار بودند. قفسهای کنری و بودنه و دیگ و طبق داشتند، محبوسان محتاج در خدمت آنان بودند، برای شان در داخل همین دهلیز با زغال منقل روشن میکردند و غذا می پختند و با باقیمانده غذای شان شکم خود را سیر میکردند.

یک تعداد کسانی که در حفره ها میخوابیدند، کس و کوی نداشتند، روزها در بخش های مختلف حرفه ای محبس کار میکردند و در عوض یک قرص نان سیلو بدست می آوردند. کسانی که مهارت حرفه یی داشتند، در شعبات تولیدی استخدام میشدند. برخی هم در خدمت زندانیان پولدار قرار داشتند و از غذای باقیمانده شان سد جوع میکردند.

احوال این ساکنان قبرستان خیلی دردآور و غیر قابل تحمل بود، به خصوص زندگی بدون توشک و لحاف در فصل سرما به داخل این قبرها عذاب الیم و طاقت فرسا بود. در زمستان وسایل تسخین وجود نداشت.

آنها در برابر سوالات ما از بیکس و کویی، فقر و گرسنگی و نداشتن لباس، کمپل و لحاف در زمستان شکایت داشتند و امیدوار بودند دولت جدید به حال آنها رسیدگی بکند.

قوماندان محبس مارا به اتاقهایی هم برد که کوله قلفی میگفتند و یک تعداد محبوسان زنجیر بند (با غل و زنجیر) در آنها بسر میبردند. در جواب این پرسش که اینها را چرا باغل و زنجیر بسته اند؟ جواب داد، چون اینها آدمهای خطرناک و مجرمان متکرر استند، به قید زنجیر نگهداری میشوند تا فرار نکنند. باورم نمی آمد این صحنه واقعیت داشته باشد. به قومندان محبس گفتم: مگر نمیدانید که این کار شما تعذیب و مخالف قانون و احکام شریعت است. فوراً این زنجیر ها را بردارید، در عوض حفظ امنیت و حفاظت محبس را تقویه کنید و او فوراً دست به

کار شد.

در جریان بازدید از محبس با عده زیادی از محبوسان صحبت کردیم و مشکلات شانرا شنیدیم. عموماً از شرایط دشوار زندان، نبود غذا، نبود وسایل تسخین و مراقبت صحی شکایت داشتند. در میان آنها ریش سفیدانی هم وجود داشتند که بیش از 40 سال در محبس گذرانده بودند. دلیل آن این که چون در مدت طولانی حبس آرامش اعصاب خود را از دست داده بودند، در نتیجه جنگ وزد و خورد بادیگران که منجر به جنایت شده میعاد حبس شان افزایش یافته بود. یکی از آنها یک هم شهری من به نام خیری یماق مدت بیش از 30 سال را در محبس گذرانده بود. ماجرای او را تمام مردم شهر خبر داشتند. خوانین سرپل با قتل یک هندوی سرمایه دار توسط گماشتگان خود ثروت او را تصاحب کرده، این شخص را متهم به قتل او کرده بودند. هنگام بیرون شدن از محبس عمومی خیلی متأثر بودیم و عقده گلوی ما را گرفته بود.

به قوماندان محبس گفتم محبوسان را در صحن زندان بیرون بکشد. متأسفانه نتوانستیم بخش محبوسین سیاسی را ببینیم. آنها از منزل دوم محبس سیاسی به بیرون چشم دوخته بودند. در بین آنها علاوه بر ئروریستان، دهشت افغانان، اعضای گروپهای سیاسی بنیاد گرا که برضد دولت می جنگیده اند، عده ای عناصر وطنپرست و مترقی نیز وجود داشتند.

چون عده زیادی از زندانیان بیرون برآمدند، بعد از یک بیانیه مختصر پیرامون اهداف انقلابی دولت، ضمن یک صحبت امیدوار کننده گفتم که واقعا شرایط شما خیلی دشوار و بعضاً غیر قابل تحمل است، مخصوصاً خوابگاههای قبر صفتی که محبوسان زمستان و تابستان در آن میخوابند، شاید در هیچ کشور دیگری وجود نداشته باشد. ما تمام مشکلات شمارا به مقام رهبری دولت میرسانیم، امید است تسهیلات زیادی فراهم شود.

از محبس دهمزنگ به محبس و توقیف ولایت کابل رفتیم. نخست از محبس زنانه بازدید به عمل آوردیم. شرایط شان خیلی دشوار و رقت انگیز بود. در چند اتاق تعداد زیادی از زنان جوان و مسن بسر میبردند. عده ای فرزندان کوچک و شیرخوار خود رانیز با خود داشتند. اتاق برای شان تنگی میکرد. یکی از آنها دارای سه فرزند کوچک بود. عده ای به جنایت دست زده و عده ای دیگر در اثر اختلافات فامیلی به ماجرا کشانده شده و مرتکب جنایت شده بودند. دختر جوانی که تازه به توقیف آورده بودند، متهم به قتل شوهر خود بود. در گوشه دیگر این محبس زنانی محبوس بودند که شرایط اقتصادی بهتر داشتند. یک هنرمند مشهور رادیو (پ) نیز در جمله آنها بود و اتاقش پر از دسته های گل بود که مخلصانش آورده بودند.

قومندان محبس که تازه مقرر شده بود، زنان محبوس را در صحن محبس گرد آورد. من ضمن توضیح اهداف انقلاب گفتم که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر موقف زنان را برابر با مردان میداند. ما بر اساس فیصله شورای وزیران آمده ایم تا احوال شما و شرایط زندان را بررسی کنیم. ما دیدیم که شما در چه شرایط دشوار و غیر قابل تحمل با اطفال خود درین اتاقهای نمناک زندگی میکنید. حتی عده ای از شما با وجود گذشت زمان زیاد از توقیف تان تا کنون هم تعیین سرنوشت نشده اند. امید است برطبق پالیسی انساندوستانه دولت فرمان عفو صادر شود.

محبوسان با کمال خورسندی از مرزده فرمان عفو استقبال کردند. خانم (پ) به نمایندگی از زنان محبوس ضمن یک بیانیه احساساتی ازین اقدام انساندوستانه دولت انقلابی تشکر به عمل آورد. زنان همه راضی و شادمان بودند و علایم امیدواری از وجنات شان خوانده میشد.

قسمت اخیر بازدید ما از توقیفخانه ولایت بود. متهمان را تا تعیین سرنوشت شان از محکمه درین جا تحت نظارت نگاه میداشتند. چون تا

کنون اتهام شان ثابت و محکوم نشده بودند، شرایط شان سهلتر از محابس محکومین بود.

فردای آن روز چند تن از کارمندان ریاست تقنین از جمله عبدالمجید اوزگون و نورالحق نور، موظف ساخته شدند تا ضمن ملاقات با زندانیان عرایض آنها را جمع آوری کنند و شکایتهای شانرا به دقت ثبت نمایند. یک روز قبل به قوماندان محبس درین زمینه رهنمود داده شده بود.

در جلسه شورای وزیران از شرایط دشوار محبس و وضع رقتبار محبوسان و خوابگاههای قبرمانند آنها گزارش داده گفتم: آنچه ما دیدیم مخالف اعلامیه جهانی حقوق بشرو معیارهای دموکراتیک ملل متحد است و شاید در کمتر کشوری زندانهایی با این شرایط دشوار وجود داشته باشد. وضع طاقت فرسای زندانیان در مرکز توجه شورای وزیران قرار گرفت و موجب تأثر همگان گردید. رئیس دولت پرسید: چطور میشود به این وضع خاتمه داد؟

گفتم: ما میتوانیم برای حل این معضله که در تمام محابس افغانستان عمومیت دارد، دنوانوع تدبیر اتخاذ کنیم:

اول اینکه عجالتاً برای محبوسان بی بضاعت و بی کس وکوی غذای روزانه و لباس ضروری تعیین و تهیه کنیم؛

دوم این که متن یک فرمان عفو عمومی از طرف رییس شورای انقلابی صادرشود و در سراسر مملکت تطبیق گردد. چه خوب میشد اگر عده ای از محبوسان سیاسی هم شامل این فرمان میشدند.

پیشنهاد غذا و لباس منظور شد و به وزیر مالیه دستور داده شد تا مدرک بودجه آنها تدارک ببیند. اما در مورد فرمان عفو گفته شد که باید عناصر خطرناک و مجرمان متکرر مشمول تخفیف شوند نه شامل عفو. کارمل نیز روی این طرح اصرار داشت. امین گفت چون موضوع زندانیان سیاسی خیلی مهم است و تا حدی به امنیت کشور تعلق دارد، باید در

باره آنها تصمیم جداگانه اتخاذ شود. سر انجام به وزیر عدلیه دستور داده شد تا در زمینه، متن یک فرمان را با در نظر داشت تمام جنب قضیه تسوید نماید و بعد از تأیید شورای وزیران به توقیع رئیس شورای انقلابی رسانده مورد تطبیق قرار بدهد.

بر اساس این فیصله به تمام رؤسای محاکم ولایات کشور رهنمودهای مشخص فرستاده شد تا از محابس ولایات و ولسوالیها توسط هیئتهای مرکب از قضات و ثارنوالها بازدید به عمل آورده، منتظر فرمان عفو و تخفیف مجازات باشند.

دوام دارد.